

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تفسیر کردن قرآن به رأی خود بدون علم گناه بزرگ است

(ترجمه)

«عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَعْيِرٍ عِلْمٍ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (رواه ترمذی)

ترجمه: از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی که بدون علم قرآن را تفسیر کند، جایگاه خود را در آتش دوزخ مهیاء کرده است.

تفسیر از باب تفهیل گرفته شده و مراد از آن توضیح و بیان می‌باشد؛ لیکن علماء در معنای تفسیر و تأویل اختلاف دارند. ابو عبیده وعده‌ای از علماء گفته اند که هر دو به یک معناست؛ ولی عده‌ای دیگری در آن فرق قائل بوده و گفته اند: «تفسیر عبارت از کشف مراد و مفهوم از لفظ مشکل می‌باشد.» ولی صاحب نهایی فرموده است: «تأویل عبارت از نقل ظاهر لفظ از حالت اصلی آن به آن چه احتیاج به دلیلی است که بخاطر آن می‌خواهد ظاهر لفظ را ترک کند.»

در مورد جمله کسی که بدون علم قرآن را تفسیر کند، ملا علی قاری فرموده است: یعنی آن که بدون دلیل قطعی یا ظنی نقلی یا عقلی مطابق به شرع قرآن را تفسیر کند. و جمله جایگاه خود را در آتش دوزخ مهیاء کرده است؛ یعنی مکانی را در آتش جهنم برای خود مهیاء نماید. ابن حجر گفته است: سزاوارترین مردم در این وعید گروه‌های اهل بدعت می‌باشند؛ زیرا الفاظ قرآن را از آنچه بر آن دلالت دارند، دور می‌سازند و از این گروه‌ها مردمی هستند که بدعت‌ها و تفاسیر باطل زیادی را در کلام خود آمیخته و پنهان می‌دارند و آن را بر اکثر اهل سنه ترویج می‌دهند. مانند صاحب کشف که از این روش در تفسیر خود استفاده نموده است.

حالت اکثر اهل علم در این زمان به این منوال می‌باشد، چنان که نصوص را قسمی تأویل می‌کنند که محمل کلام نیست؛ قرآن را مطابق عقل، خواهشات و تمایلات شیطانی‌شان تفسیر می‌کنند. با فتاوی‌ایی که به اسلام مرتبط نیستند، علیه کسانی که برای اقامه خلافت فعالیت می‌کنند، می‌ایستند و می‌کوشند اولیای امور (حکام جاهل) را راضی بدارند؛ چنانچه آن‌ها دوست دارند نام ایشان زبان زد عام خاص باشد؛ ربا و سود را بر مسلمین حلال می‌گویند، با دشمنان اسلام مصلحت می‌کنند، نظام‌های دیموکراسی، علمانیت، دولت‌های مدنی را از طریق قومیت و انگیزه‌های وطنی بر مسلمانان مشروع معرفی می‌کنند؛ مطابق به خواهش خود اختلاط و هم‌نشینی مردان و زنان را در حیات عامه مشروع می‌دانند؛ خرید و فروش شراب را مشروع دانسته، شرکت‌های سهامی و طریقه‌های قمار را مشروع معرفی می‌کنند؛ موجودیت کسانی را که حکم به ما انزل الله نمی‌کنند، مشروع دانسته و آن‌ها را متولی امور و مرجع رفاه خود می‌شناسند؛ حتی با بعضی از ایشان مراسم کاذب و خطای بیعت را نیز انجام می‌دهند. با این همه جهاد فی سبیل الله را بر مسلمانان حرام می‌گویند. برعکس کسانی را که به این فریضه بزرگ الهی همت می‌کنند و بخاطر دفاع از جان خود و دفاع دین اسلام در برابر دشمنان الله سبحانه و تعالی اقدام کرده‌اند، ایشان را دهشت افکن و تروریست اطلاق می‌کنند؛ در مقابل کسانی که رسول معظم اسلام صلی الله علیه وسلم را توهین می‌کنند، ساکت مانده و بادل‌ل آن‌ها را تبرئه کرده و می‌گویند: این‌ها کسانی هستند که تاهنوز دین برای‌شان نرسیده است و از حراست و تفکیک بین حلال و حرام بسیار فاصله گرفته‌اند.

لذا جریان همهٔ این مشکلات از دست کسانی ست که قرآن را بدون علم و به رأی و عقل خود تفسیر می‌کنند. آیا این عده از علماء درک نکرده‌اند که به سبب آرای برخواسته از خواهشات ایشان بالای این امت چه حالاتی آمده است!؟

والسلام علی من تبع الهدی